

نقد گفتمانی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی

با معیار گفتمان انقلاب اسلامی

(۱)

www.ketab.ir

مجتبی دولتی - حسن زرقانی



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

سرشناسه	: دولتی، مجتبی، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: نقد گفتمانی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی با معیار گفتمان انقلاب اسلامی/مجتبی دولتی، حسن زرقلی.
مشخصات نشر	: تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۴۲۴ ص.
شابک	: 978-964-495612-6
وضعیت فهرست نویسی	: آریا
یادداشت	: کتابخانه: ص. ۲۰۹.
موضوع	: دولت - ایران - قرن ۱۴.
موضوع	: State, The -- Iran -- 20th century
موضوع	: اسلام و دولت - ایران - تاریخ - قرن ۱۴
موضوع	: Islam and state -- Iran -- History -- 20th century
موضوع	: ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۵۸ -
موضوع	: - Iran -- Politics and government -- 1979
شماره افزوده	: زرقلی، حسن، ۱۳۵۹ -
رده بندی کنگره	: JC۲۷۳
رده بندی دیویی	: ۳۲۰/۱۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۰۷۴۴۴



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

نقد گفتمانی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی با معیار گفتمان انقلاب اسلامی

(۱)

مؤلفین: مجتبی دولتی - حسن زرقلی

ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

نوبت چاپ: چهارم ۱۴۰۲ / شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

حروفچینی: ظریفیان // لیتوگرافی: سحر // چاپ و صحافی: قدرولایت (دیجیتال)

طرح جلد: امیر خلیلی فرد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۶۱۲-۶ شابک دوره: ۳-۶۱۳-۴۹۵-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

دفتر توزیع و بخش: خیابان پاستور - خیابان ۱۲ فروردین جنوبی - کوچه خاقانی پلاک ۸

تلفن: ۶۶۴۶۹۵۸-۶۶۴۱۱۱۵۱-۶۶۴۷۰۲۰۵ شماره: ۶۶۴۷۰۲۰۵

نشانی پایگاه اینترنتی: www.ghadr110.ir نشانی پست الکترونیکی: info@ghadr110.ir

این تیراژ با کاغذ حمایتی وزارت ارشاد به چاپ رسیده است

فهرست مطالب

مقدمه ناشر	۱۱
مقدمه مؤلف	۱۵
فصل اول: شاخص‌های گفتمان انقلاب اسلامی (اسلام ناب محمدی صلوات الله علیه)	۱۹
۱- دال مرکزی در گفتمان انقلاب اسلامی	۱۹
۲- دال‌های شناور و شاخص‌ها در گفتمان انقلاب اسلامی	۲۰
۱-۲- حفظ اسلام و دفاع از کیان اسلامی	۲۰
۲-۲- ملازمه دین و سیاست (جامعیت دین)	۲۱
۳-۲- قانون‌مداری	۲۲
۴-۲- تبعیت از مکتب اهل بیت: و پایبندی به ولایت فقیه در تداوم ولایت ائمه:	۲۲
۵-۲- معنویت و اخلاق	۲۳
۶-۲- عدالت‌محوری و عدالت‌خواهی	۲۵
۷-۲- نقش و جایگاه مردم (مردم‌سالاری دینی)	۲۶
۸-۲- استقلال‌خواهی	۲۷
۹-۲- آزادی‌های مشروع و اساسی	۲۸
۱۰-۲- وحدت و انسجام ملی و اسلامی	۳۰
۱۱-۲- ایستادگی و مقاومت	۳۰
۱۲-۲- عقلانیت	۳۱
۱۳-۲- علم و پژوهش	۳۳
۱۴-۲- عزت اسلامی	۳۴

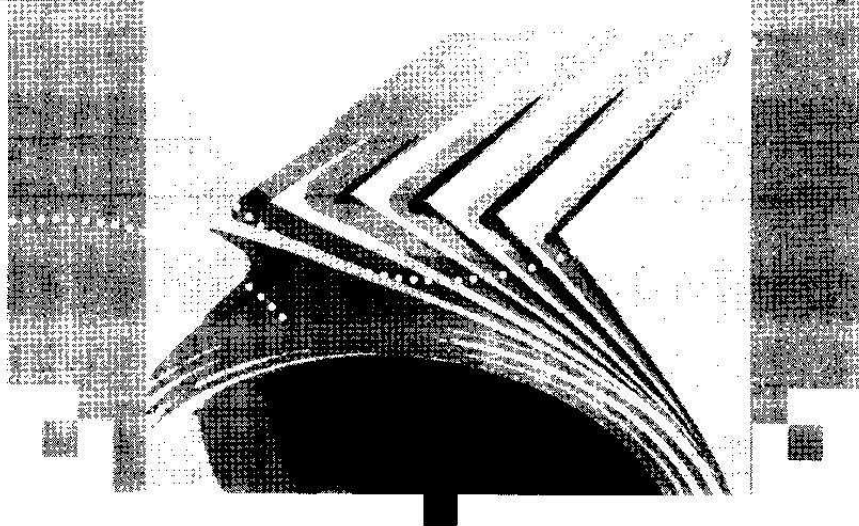
- ۱۶- فرار بنی‌صدر و منافقین به فرانسه ۱۹۵
- ۱۷- ارتباط با اسرائیل ۱۹۷
- ۱۸- تبدیل شدن دفتر ریاست‌جمهوری به کانون ضدانقلاب ۱۹۹
- ۱۹- تشکیل گارد حفاظت ریاست‌جمهوری و سرکوب نیروهای خط امام ۲۰۶
- ۲۰- تشنج‌آفرینی در جامعه به روش مختلف و به‌ویژه با راه‌اندازی روزنامه انقلاب اسلامی ۲۱۰
- ۲۱- غائله و جوسازی علیه نظام ۲۱۱
- ۲۲- ایجاد غائله ۱۴ اسفند و ائتلاف با گروه‌های ضدانقلاب ۲۱۹
- ۲۳- ایستادگی و مخالفت عملی و نظری با ولایت‌فقیه و امام خمینی(ره) ۲۲۴
- ۲۴- برخورد با عناصر انقلابی ارتش: ۲۲۶
- ۲۵- تنش‌آفرینی در ماجرای انتخاب نخست‌وزیر و کابینه: ۲۲۷
- ۲۶- ایجاد تنش و اختلاف با شخصیت‌ها و مسئولین نظام، همچون قوه قضائیه با مسئولیت شهید بهشتی و حزب جمهوری اسلامی و اغلب علمای بلاد ۲۲۸
- ۲۷- خیانت‌های بنی‌صدر ۲۳۲
- نکات تصریحی فصل سوم: گفتمان ابوالحسن بنی‌صدر ۲۳۴

فصل چهارم: دولت شهید رجایی ۲۳۹

- شهید رجایی و ریاست‌جمهوری ۲۴۸
- رئوس دیدگاه‌های شهید رجایی مطابق با گفتمان انقلاب اسلامی ۲۵۲
- ۱- خدامحوری ۲۵۲
- ۲- خروش علیه ظالم ۲۵۲
- ۳- پایبندی به اسلام و تبعیت از ولایت‌فقیه ۲۵۳
- ۴- استکبارشناسی و استکبارستیزی ۲۵۴
- ۵- پاسداری از انقلاب اسلامی ۲۵۵
- ۶- استقلال خواهی ۲۵۵
- ۷- دفاع از شرف و کرامت انسانی ۲۵۵
- ۸- الگوگیری ملت‌های تحت ستم از انقلاب اسلامی و کسب استقلال، آزادی کرامت انسانی ۲۵۶
- ۹- وعده پیروزی مستضعفین بر مستکبرین ۲۵۶
- ۱۰- ولایت‌مداری و مقلد امام خمینی(ره) بودن ۲۵۷
- ۱۱- پایبندی و تلاش برای ایجاد نظام اسلامی ۲۵۷
- ۱۲- مخالف با غرب‌گرایی، تقید به اسلام و مقاومت در مقابل دشمن ۲۵۸
- ۱۳- پایبندی به قانون ۲۵۸

۱۴- پایبندی به اقتصاد پویا و عدالت محور	۲۵۹
۱۵- امانتداری ساده زیستی و دوری از تجمل‌گرایی	۲۵۹
۱۶- انسانی متعهد، خدمت‌گزار و سربازی گران‌قدر	۲۶۰
دولت شهید باهنر مطابق با گفتمان انقلاب اسلامی:	۲۶۱
۱- پایبندی به اسلام و احکام اسلامی و ولایت فقیه	۲۶۱
۲- زمینه‌سازی برای تحقق ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی (حکومت جهانی اسلام)	۲۶۲
۳- اقتصاد پویا و عدالت‌محور	۲۶۳
۴- حمایت از مستضعفین	۲۶۳
۵- حاکمیت قانون خدا، گسترش روابط داخلی و خارجی بر اساس مبانی اسلامی	۲۶۳
۶- تحقق پیروزی مستضعفین بر مستکبرین، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، تحقق امت اسلام	۲۶۴
۷- گسترش خط اسلام ناب محمدی در جامعه، تکلیف‌محوری و حمایت از مستضعفین جهان	۲۶۴
- پایبندی رجایی و باهنر به شاخص‌های گفتمان انقلاب اسلامی در کلام امامین انقلاب اسلامی	۲۶۵
فصل پنجم: دولت میرحسین موسوی	۲۶۷
مواضع میرحسین موسوی:	۲۷۵
۱- اقتصاد دولتی و سوسیالیستی	۲۷۵
۲- سوابق موسوی با گروه‌ها و حلقه‌ها	۲۸۹
۳- اعتقاد شدید به مصدق و ملی‌گرایی	۲۹۴
۴- داشتن اندیشه‌های چپ	۲۹۹
۵- هم‌گرایی با آمریکا	۳۰۱
۶- تخلفات گسترده از قانون اساسی (۶۰۰ مورد تخلف)	۳۰۳
۷- اعتقاد به دولت‌سالاری	۳۰۶
۸- نخست‌وزیر شدن با فشار	۳۰۹
۹- جوسازی و برچسب‌زنی به مخالفان	۳۳۸
۱۰- نزدیکی و حمایت از متهمین انفجار حزب و نخست‌وزیری	۳۴۴
۱۱- بانده‌گرایی و گروه‌گرایی	۳۴۴
۱۲- ایجاد تک‌صدایی در روزنامه‌ها و مطبوعات کشور	۳۴۶
۱۳- ایجاد خط مذاکره با آمریکا	۳۴۹
۱۴- استعفا‌های متعدد و برنامه‌ریزی شده	۳۵۸
۱۵- مخالفت عملی با فرمایشات امام خمینی(ره)	۳۷۹

۳۸۲	۱۶- کوتاهی موسوی در حمایت از جبهه‌ها
۳۸۵	نکات تصریحی فصل پنجم و گفتمان دولت موسوی
۳۸۷	منابع



مقدمه ناشر

در جهان، انقلاب‌های متعددی در دو سه قرن اخیر رخ داده است که مهمترین آنها انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب اکبر روسیه است. هر دو انقلاب پس از چندی از مسیر خود منحرف شده و برخلاف اصولی که براساس آن انقلاب شده بود در مسیر دیگری ادامه دادند.

انقلاب فرانسه که یک انقلاب تقریباً کامل و همه‌جانبه و با حضور مردم به پیروزی رسید و ضد سلطنت بود، در کمتر از ۱۵ سال بعد از آن، به سلطنت ختم شد! یک سلطنت مطلقه که انقلاب و آرمان‌های آن بکلی در آن فراموش شدند. خانواده‌ای که با انقلاب پرافتاده بودند، برگشتند و سال‌های متمادی سلطنت کردند. چند ده سال کشاکش ادامه داشت تا جمهوریت که انقلاب به دنبال آن بود، بوجود آمد. در شوروی هم این اتفاق افتاد و رژیم کمونیست تبدیل به ضد خود شد و عاقبت هم به تاریخ پیوست.

انقلاب اسلامی برخلاف این انقلاب‌ها، توانسته است از چهل سالگی عبور کند، آن هم با اقتدار و پیشرفت و شادابی و حضور جدی و شگفت‌آور مردم در صحنه. انقلاب اسلامی، نظام لیبرال سرمایه‌داری غرب را به چالش کشیده و به اعتراف بسیاری از کارشناسان در سراسر جهان افول قرار داده است. شواهد تغییر نظام لیبرالی حاکم بر مدیریت جهان که بعد از دو جنگ جهانی اول و دوم بوجود آمده فراوان است. نظام حاکم بر جهان امروز هم در بُعد فکری و اخلاقی و شعارهایی که مطرح کرده بود و هم در بُعد عملی که نظام سیاسی و تواناییهای نظامی بود دچار چالش شده و این چالش بیش از آن که محصول ناتوانیهای

خودش باشد محصول انقلابی است که پیام و گفتمان جدیدی را در جهان بر پایه توحید و ایمان به دین حق به وجود آورده است.

هندسه جهان در حال تغییر است و نظام اسلامی بایستی آماده ایفای نقش اساسی خود در آن باشد. تغییری که قطعاً و حقاً بایستی به سمت تحقق تمدن نوین اسلامی و حکومت عدالت محور صاحب الزمان (عج) باشد، همان اهدافی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه «گام دوم انقلاب» مطرح فرمودند.

ایفای چنین نقشی لوازمی دارد که شناخت آنها بسیار مهم است. در یک کلمه اسم ناب محمدی علیه السلام با تمام شاخص‌ها و ملاک‌های آن، تمام لوازم حضور انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی است. تأکید فراوان حضرات امام خمینی و امام خامنه‌ای بر اسلام ناب و تشریح شاخصه‌های آن و نیز معرفی اسلام آمریکایی و متمیزه‌های آن، حکایت از همین نقش مهم و سرنوشت ساز دارد.

نکته مهم دیگر در این مسیر، شناخت آسیب‌ها و ضعف‌هایی است که در این گذر چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، به واسطه عملکردها و رفتارهای بخصوص دولتمردان و جناح‌های سیاسی بوجود آمده است. برطرف کردن این ضعف‌ها و نارسائی‌ها، به قوت و اقتدار انقلاب اسلامی و سرعت بیشتر در حضور در مدیریت جهان آینده منجر خواهد شد. اگر خصوصیتی چون اشرافیگری، تجمل‌گرایی، فاصله افتادن بین مسئولین و مردم، تحت تأثیر تبلیغات و فشارهای دشمن قرار گرفتن، راحت‌طلبی، خروج از انقلابیگری، پشت کردن به آرمان‌ها، مدیریت غیر جهادی، نگاه به خارج دوختن و بی توجهی به ظرفیت‌های داخلی و ... در جامعه بخصوص جامعه نخبگان و نیز مسئولین نظام بوجود آمده و رفته رفته افزایش یابد، قطعاً رنگ و بو و پیام انقلاب ضعیف شده و نمی‌تواند به جایگاه رفیع خود در تمدن نوین آینده برسد.

در مقابل اگر شاخص‌های انقلابی‌گری، همچون مخالفت مستمر با نظام سلطه، باور ما می‌توانیم، تکیه به ظرفیت‌های داخلی، مدیریت جهادی، عدالت اجتماعی، ضد فساد بودن، شجاعت در برابر دشمن، اعتماد به نفس، اتکال به خدای متعال، ساده‌زیستی، اعتماد واقعی

به مردم و حضور آنان و ... در جامعه و نخبگان بویژه مسئولان تقویت شده و روزه روزه به کمال بیشتر برسد، حتماً انقلاب اسلامی موفق به شکل دادن ساختار جهان آینده بسوی تمدن نوین اسلامی و ظهور منجی بشریت خواهد شد.

دولت‌هایی که تا کنون در جمهوری اسلامی با رأی مردم روی کار آمده و برای مدتی، تمام سرمایه‌ها و امکانات و فرصت‌های کشور در اختیار آنان قرار گرفته است، هر کدام نقاط قوتی داشته و کاستی‌ها و نقاط ضعفی هم داشته‌اند. هر جا این دولت‌ها به آرمان‌ها و ارزش‌ها تکیه کرده و انقلابی و جهادی عمل کرده‌اند موفق بوده و شاخص‌های اسلام ناب را در جامعه گسترش داده و بر جذابیت پیام نظام برای اتحاد جوامع بشری افزوده‌اند. و هر جا دولت‌ها، به هر اندازه، از این ارزش‌ها عدول کرده و ویژگی‌های اسلام آمریکایی را تقویت کرده‌اند، از اهداف نظام فاصله گرفته و مدیریت ایمانی و تقوایی بر جهان بشری را به تأخیر انداخته‌اند.

مسئله مهم دیگر این است که کارآمدی نظام و موفقیت آن در عمل به شعارها و آرمان‌ها، با عملکرد و رفتار این دولت‌ها سنجیده می‌شود و تبلیغات جهانی هم به این رویکرد به شدت دامن می‌زند. این شبهه بسیار خطرناکی است که بایستی به آن پاسخ روشن داد و ابهام‌های ایجاد شده را از ذهن‌ها زدود و دامن نظام را از خس و خاشاک دولت‌ها پاک نمود.

نقدگفتمان دولت‌های پس از انقلاب اسلامی در حقیقت پالایش نظام از خطاها و کاستی‌ها و گاه انحرافات دولت‌هاست تا درخشندگی گفتمان اصیل انقلاب که همان گفتمان بنیانگذار انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و خلف صالح او امام خامنه‌ای (مدظله) است، همچنان بر تارک این نظام دیده شود. دولت‌های پس از انقلاب اسلامی را باید با محک و شاقول گفتمان اصیل و ناب انقلاب ارزیابی و سنجش کرد تا هم سره از ناسره مشخص شود و هم این شبهه دشمن افروخته به بصیرت عمیق منتهی گردد.

در این پژوهشی که مقابل خود را دارید، تلاش شده است تا رفتار و تفکر و اقدامات میدانی این دولت‌ها بررسی شود و طبعاً برای این بررسی نیاز به طرح و تبیین شاخص‌ها بود

که انجام گرفت. در اصطلاح «دولت» ما به قالب و غالب ساختار سیاسی حکومت در زمان آن دولت‌ها نگریسته‌ایم. دولت موقت فاقد رئیس جمهور بود ولی با نخست‌وزیری مهندس بازرگان اداره می‌شد. در دولت بنی‌صدر، رئیس جمهور وجود داشت و نخست‌وزیر، اما آنچه در جامعه و در هیاهوی تبلیغاتی شهره شد دولت بنی‌صدر است و لذا با این نام بررسی شده است. در دولت کوتاه شهید رجایی که مبنای فکری و عملی رئیس جمهور و نخست‌وزیر یکی و منطبق بر هم بود به نام دولت رجایی نامیده شده است. اما آخرین دولتی که نخست‌وزیر داشت یعنی دوران ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، به دلیل مخالفت اساسی و عمیق ایشان با سیاست‌ها و برنامه‌های نخست‌وزیر، مهندس موسوی، و حتی عدم رضایت به نخست‌وزیری ایشان، ما عملکرد آن را تحت عنوان «دولت موسوی» بررسی کرده‌ایم. رهبری در آن دوران، عمده وقت خود را صرف جبهه‌های نبرد حق با باطل می‌کردند و در امور اجرایی دولت دخالت خاصی نداشتند. این توضیح در بررسی‌های مربوط به هر دولت بیشتر و عمیق‌تر روشن می‌گردد.

امیدواریم این پژوهش که حاصل تلاش برادر عزیز جناب آقای مجتبی دولتی است، مطلوب نظر مخاطبان قرار گیرد و خداوند به لطف و کرمش بر آن، اثری شایسته در جهت تحقق گام دوم انقلاب قرار دهد.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت